

متن پرسش

بسمه تعالی با عرض سلام خدمت استاد گرامی طاهرزاده گاه و بیگاه در رسانه ها یا بعضی مجالس سوالات و شبهاتی راجع به جایگاه زن در اسلام بیان می شود و به آیاتی از قبیل آیات ۵ و ۶ سوره مؤمنون ، ۲۴ سوره نساء و ۱۴ سوره آل عمران و بعضی از آیات دیگر که مضمونی به ظاهر مردسالار دارد استناد می کنند و می گویند در خطبه ۸۰ نهج البلاغه حضرت زنان را افرادی کم عقل خوانده یا به علت عادت ماهیانه که امری غیر ارادی است برای آنها نقص در ایمان قائل است (هرچند بعضی از علما معتقدند این خطبه سندیت ندارد و متعلق به حضرت نیست) و از آن مهمتر آیه ۱۴ آل عمران است که خطابش ناس می باشد ولی چون در مقابل حب النساء قرار گرفته است معلوم می شود مورد خطاب مردان هستند و به استناد این آیه مجبوریم تمام ناس های قرآن را مترادف با مردان بگیریم و منظور این افراد این است که خداوند طایفه محترم نساء را داخل آدم حساب نکرده است مخصوصاً در این آیه که آنها را در کنار طلا و نقره مانند کالا قرار داده است . خواهشمند است توضیحی مکفی راجع به خطبه حضرت و آیات نامبرده بفرمایید.

متن پاسخ

جواب: علیک السلام؛ در مورد خطبه ۸۰ نهج البلاغه که جناب سید رضی صراحت دارد که پس از جنگ جمل حضرت ایراد فرموده اند و با توجه به این که روش سید رضی تقطیع کردن خطبه های حضرت بوده و آن قسمت هایی را می آورده که جنبه ی بلاغت آن زیاد بوده معلوم می شود مورد خطاب، عایشه باید باشد. و به گفته ی آیت الله جوادی «حفظه الله تعالی»؛ این خطبه هیچ پایگاهی ندارد، چرا که برهان هایی که می آورد خودش خودش را نقص می کند، لذا به اهلش وامی گذاریم. از طرفی برای آن که فرهنگ قرآن را در مورد زنان بدانیم باید آیات زیادی را مدّ نظر قرار دهیم، در ضمن موضوع کنیزان که در جنگ اسیر می گشتند و به عنوان غنائم جنگی خرید و فروش می شدند، لازم است مفصلاً بحث شود، همین قدر بدانید که اسلام با ورود آنها در خانواده ی یک مرد مسلمان نه تنها پناهی برای او ایجاد می کرد و جلوی فحشاء گرفته می شد، زمینه ی مادر شدن او پیش می آمد و جهت شخصیت او تغییر می کرد که البته احتیاج به بحث طولانی دارد. اما در مورد شخصیت زن در اسلام، عنایت داشته باشید که ابتدا باید آیات صریح را که موضوع را روشن می کند مورد توجه قرار داد و سپس بقیه ی آیات را بر مبنای آنها تحلیل نمود. و چون بنده در حال تدوین کتابی در این مورد هستم اجازه دهید قسمتی از آن را خدمتان عرض کنم شاید خطوط کلی نگاه اسلام به زن در قرآن روشن شود. قرآن می گوید ای زنان و

ای مردان! بگذارید تا قصه‌ی زندگی شما را برایتان در این راستا روشن کنم، قصه‌ی زندگی شما این است که «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى»؛ هرکسی می‌خواهی باش، زن یا مرد، اگر عمل صالح انجام بدهی و مؤمن هم باشی «فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ حتماً حیات چنین کسی را پاک می‌کنیم و از وسوسه‌ها و عدم خلوص‌ها نجاتش می‌دهیم «وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» و نتیجه کارش را با بهترین عملی که انجام داده به او می‌دهیم. «مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ یعنی با بهترین آن کارهایی که همواره می‌کرده جواب همه کارهایش را می‌دهیم. شما همواره نماز می‌خوانید و همواره نیتتان این بود که به بهترین شکل نماز را به‌جا آورید و در این امر پایمردی داشتید و همواره سعی بر بهترشدن آن می‌کردید، حالا آن بهترین را می‌گیرند و تمام نمازهای شما را بر اساس همان نمونه‌ی عالی‌اش حساب می‌کنند. می‌فرمایند: زن می‌خواهی باش، مرد هم می‌خواهی باش، اگر عمل صالح انجام دهی در حالی که روح ایمانی خود را حفظ کرده باشی و جهت‌گیری قلبت به طرف حق باشد، اولاً: حیات را طیب می‌کنیم. ثانیاً: اجر بهترین عمل را به همه اعمالت سرایت می‌دهیم. چنانچه ملاحظه می‌فرمائید وقتی بحث از عالی‌ترین هدف و غایت یعنی «حیات طیب» از یک طرف و «اجر نیکوترین عمل» از طرف دیگر مطرح است تأکید دارد که در اینجا زن و مرد فرق ندارد، چرا که اوج کمال جایی نیست که برای رسیدن به آن مرد بودن، کمال و یا زن بودن، نقص باشد. حیات طیب مزده بزرگی است، مشکلی که عموماً ما داریم این است که به داشتن حیات طیب، دل خوشیم ولی به آن نمی‌اندیشیم. متوجه نیستیم برای رسیدن به آن باید درجه شعورمان از حیات حیوانی بسیار بالاتر بیاید. در حالی که حیات حیوانی، حیات طیب نیست. خوک و گرگ حیات دارند و زنده‌اند اما این نوع حیات برای بنده حیات طیب نیست، خوک مظهر شهوات است و گرگ مظهر درندگی است، حیات بنده و جنابعالی باید حیات انسانی باشد که آزاد از غلبه شهوت و کبر است، شأن حیات انسانی حیات طیب است، حیات انسانی باید از هرگونه رذیله‌ای خالص باشد، نه گرگ باشد، نه خوک، شهوتش شهوتی باشد زیر فرمان عقل شریعت، غضبش غضبی باشد زیر فرمان عقل شریعت، و جهتش، جهت نفی منیت و توجه به حق باشد، این حیات، حیاتی است که به آن خالص و طیب می‌گویند. شما وقتی می‌گویید هوا پاک است به این معنی نیست که نیتروژن و اکسیژن نداشته باشد، هوای پاک هوایی است که آنچه نباید داشته باشد را ندارد. عقاید و صفاتی در ما هست که مزاحم جهت‌گیری ما به سوی حقیقت است آیه مزده می‌دهد که اگر هر زن و مردی در دین‌داری صبر و پشت‌کار داشت، عوامل مزاحم را از صحنه‌ی جانش پاک می‌کنیم، تا اولاً: در شرایط خوبی ادامه حیات دهد. ثانیاً: در قیامت با بهترین اعمال خود برای همیشه روبه‌رو باشد. موفق باشید